



یک مسیح برای همه جهان

خطبه 17 اکتبر 2021
لوقا فصل ۴ از آیه ۱۷ تا ۳۰

مقدمه خطبه

این هفته ما قسمت دوم از یک سری دو هفته ای را در مورد مأموریت و خدمت عیسی انجام می دهیم. من اکنون می خواهم متن کتاب مقدس ما را بخوانم. لطفاً گوش دهید و قلب خود را به روی خداوند باز کنید که در کلام خود با ما صحبت می کند.

لوقا فصل ۴ از آیه ۱۷ تا ۳۰

۱۷ و طومار اشعیاء نبی به او داده شد. طومار را باز کرد و جایی را که در آن نوشته شده بود، پیدا کرد،
۱۸ "روح خداوند بر من است، زیرا او مرا مسح کرده است تا به فقرا بشارت دهم. او مرا فرستاده است تا آزادی اسیران و بهبود بینایی نابینایان را آزاد کنم و مظلومان را آزاد کنم. ،
۱۹ تا سال نعمت خداوند را اعلام کند." و طومار را بالا آورد و به خدمتکار پس داد و نشست. و چشم همه در کنیسه بر او دوخته شد.
۲۰ و شروع کرد به آنها گفت: "امروز این کتاب مقدس در شنوایی شما تحقق یافته است."
۲۱ و همه درباره او نیک گفتند و از سخنان محبت آمیزی که از دهان او می آمد تعجب کردند. و گفتند: "آیا این پسر یوسف نیست؟"
۲۳ و او به آنها گفت: "بی تردید این ضرب المثل را برای من نقل می کنید" پزشک ، خودت را شفا بده. " آنچه را که شنیده ایم در کپرناحوم انجام داده اید ، اینجا نیز در زادگاه خود انجام دهید. " "
۲۴ و او گفت: "به راستی به شما می گویم هیچ پیامبری در شهر خود پذیرفته نیست.
۲۵ اما در حقیقت ، به شما می گویم ، در روزهای ایلیا ، هنگامی که آسمان سه سال و شش ماه بسته شد ، و قحطی بزرگی بر تمام سرزمین رخ داد ، بیوه های زیادی در اسرائیل بودند.
۲۶ و ایلیا را برای هیچ کدام از آنها فقط به زارعت ، در سرزمین صیدون ، نزد زنی که بیوه بود فرستاد.
۲۷ و در زمان الیشع نبی در اسرائیل جذامیان زیادی بودند و هیچ یک از آنها پاک نشد ، مگر فقط نعمان سوری. "
۲۸ وقتی اینها را شنیدند ، همه در کنیسه پر از خشم شدند.
۲۹ آنها برخاستند و او را از شهر بیرون راندند و به بالای تپه ای رساندند که شهر آنها بر آن بنا شده بود تا بتوانند او را از صخره به پایین پرت کنند.
۳۰ اما از میان آنها گذشت و رفت.

با هم اشعیاء باب ۴۰ آیه ۸ را می خوانیم:

چمن ها پژمرده می شوند ، گل ها محو می شوند ، اما کلام خدای ما تا ابد پابرجا خواهد ماند.

لطفاً با من دعا کنید

پدر آسمانی ، از اینکه عیسی مسیح را فرستادی متشکرم.

وقتی به نام او دعا می کنیم ، می دانیم که شما دعاهای ما را دریافت می کنید.

بنابراین ما از شما می خواهیم ، پدر ، به نام عیسی ، روح القدس را بفرستید تا قلب و ذهن ما باز شود.

به ما کمک کنید تا عیسی را به وضوح ببینیم.

به ما کمک کنید تا او را بپذیریم و او را رد نکنیم.

ما در نام او دعا می کنیم.

آمین

هفته گذشته ما به دقت آیات ۱۷ تا ۲۱ را بررسی کردیم.

اما من امروز آنها را برای شما خواندم تا موضوع را درک کنید.

امروز ما با نگاهی به آیه ۲۲ شروع می کنیم.

در اینجا خلاصه خطبه امروز ما آمده است.

نکته اول: عیسی پسر یوسف (لوقا 4: 22-24)

نکته دوم: عیسی مسیح برای کل جهان است (لوقا فصل ۴ آیه ۲۵ تا ۲۷)

نکته سوم: عیسی طبق برنامه پدر درگذشت (لوقا فصل ۴ آیه ۲۸ تا ۳۰)

نکته اول: عیسی پسر یوسف (لوقا فصل ۴ آیه ۲۲ تا ۲۴)

آیه ۲۲: و همه درباره او خوب صحبت کردند و از سخنان محبت آمیزی که از دهان او بیرون می آمد تعجب کردند. و گفتند: "آیا این پسر یوسف نیست؟"

افرادی که سخنان عیسی را می شنیدند درباره او چیزهای مثبتی می گفتند.

اما اگر به آنچه آنها گفتند دقت کنید، آنها از نحوه صحبت او تعریف کردند.

برای من اینطور به نظر نمی رسد که آنها به گفته های او اعتقاد داشتند.

عیسی ادعا می کرد که بیش از یک معلم شریعت فصیح است.

او گفت که او تحقق نبوت اشعیا بود.

عیسی ادعا می کرد که مسیح است که وعده های خدا را عملی کرد.

باور آنها برای آنها سخت بود زیرا او را می شناختند.

وقتی این واقعه اتفاق افتاد عیسی حدود ۳۰ سال داشت.

مردم آنجا به یاد دوران کودکی او افتادند.

به همین دلیل آنها گفتند: "آیا این پسر یوسف نیست؟"

اکنون بیایید با هم به آنچه عیسی در پاسخ به آنها گفت نگاه کنیم.

آیه ۲۳ تا ۲۴:

۲۳ عیسی گفت: «بدون شک در مورد من این ضرب المثل را خواهید گفت که ای طبیب خود را شفا بده. شما هم چنین خواهید

گفت که ما شرح همه کارهایی را که تو در کفرناحوم کرده ای شنیده ایم، همان کارها را در شهر خود انجام بده.»

۲۴ و او گفت: "به راستی به شما می گویم هیچ پیامبری در شهر خود پذیرفته نیست."

مردم داستانهایی درباره معجزات عیسی در کپرناحوم ، شهری در نزدیکی ناصره شنیده بودند. در اینجا می توانید آن را روی نقشه مشاهده کنید. افرادی که عیسی را در کودکی به یاد می آورند شواهدی می خواستند که او بیش از یک مرد بود. آنها در دل خود فکر می کردند، "اگر او معجزه هایی به ما نشان دهد، شاید ما ایمان بیاوریم." شاید شما هم همین فکر را کرده اید؟ شاید وقتی ایمان برای شما دشوار است ، می خواهید خدا معجزه ای انجام دهد تا به شما در ایمان آوردن کمک کند؟ همه ما این کار را می کنیم.

من فکر می کنم این یکی از دلایلی است که عیسی ۲۰۰۰ سال پیش آمد و نه ۲۰ سال پیش. ۲۰ سال پیش ما دوربین های ویدئویی داشتیم و مردم خواستار مشاهده شواهدی از معجزات عیسی بودند. اما حتی شواهد ویدئویی برای داشتن ایمان واقعی به عیسی کافی نخواهد بود. افرادی که شخصاً عیسی را معجزه می کردند، افرادی بودند که او را نپذیرفتند و او را کشتند. فقط خدا می تواند ایمان واقعی بدهد زیرا قلب ما در گناه مرده است. فقط خدا می تواند به ما زندگی تازه و چشم ایمان بدهد.

در متی فصل ۱۲ عیسی با برخی از افراد شکاک صحبت می کرد. افرادی مانند ناصری که برای باور اینکه عیسی مسیح است تلاش می کردند. کاتبان و فریسیان رهبران مذهبی بودند که باید تشخیص می دادند که عیسی پیشگویی های مربوط به مسیح را انجام می دهد. اما قلب آنها از غرور و بی اعتمادی تیره شده بود. بیایید ببینیم عیسی در مورد درخواست آنها برای معجزه به آنها چه می گوید.

متی ۱۲ آیه ۳۸ تا ۴۰

38 آنگاه برخی از کاتبان و فریسیان به او پاسخ دادند و گفتند: «معلم ، ما می خواهیم از تو نشانه ای ببینیم.»
39 اما عیسی در جواب آنها گفت: «نسلی شرور و زناکار به دنبال علامتی هستند ، اما هیچ نشانه ای جز نشانه یونس نبی به او داده نمی شود.
40 همانطور که یونس سه روز و سه شب در شکم ماهی بزرگ بود ، پسر انسان نیز سه روز و سه شب در قلب زمین خواهد بود.»

شاید داستان یونس نبی را به خاطر داشته باشید؟ او پیامبر یهودی بود. خدا به او گفت برو نینوا.

شما می توانید آن را در اینجا روی نقشه ، جایی که موصل امروز در عراق است ، مشاهده کنید. نینوا پایتخت امپراتوری آشور بود و کارهای بد بسیاری در آنجا انجام می شد. اما خدا می خواست یونس به مردم نینوا بگوید که خدا می تواند آنها را ببخشد. اگر آنها از گناه خود توبه کنند ، خدا آنها را می بخشد و آنها را نجات می دهد. یونس این ایده را نداشت که مردم آشور قوم خدا هستند. یونس از خدا اطاعت نکرد. او در جهت مخالف با یک قایق رفت و تقریباً غرق شد.

اما خدا مهربان است.
خدا ماهی یا نهنگی بزرگ برای نجات یونس فرستاد.
یونس سه روز در شکم نهنگ بود.
پس از آن ، یونس به نینوا رفت و پیام خدا را به آنها داد.

چرا عیسی این داستان را در متی 12 می گوید؟
زیرا رهبران یهود درخواست معجزه کردند.
عیسی به جای نوع معجزه ای که می خواستند ، مهمترین معجزه ای را که تا کنون پیش بینی شده بود پیش بینی کرد.
عیسی به رهبران مذهبی گفت که به زودی او را اعدام خواهند کرد.
عیسی به آنها گفت که می میرد و سه روز در خاک دفن می شود.
اما این پایان ماجرا نبود.
زیرا قبر نمی تواند مرد بی گناهی را که پسر خدا نیز است در خود نگه دارد.

چرا یک انسان بی گناه باید به صلیب بمیرد؟
این مجازات جنایتکاران است.
اما عیسی مایل بود آن اعدام شرم آور را تجربه کند ، زیرا قلب او بسیار بزرگ است.
قلب خدا می خواهد مردم در سراسر جهان برای بخشش گناهان ما به عیسی اعتماد کنند.
اما حتی پیامبرانی مانند یونس در درک قلب خدا مشکل دارند.
بیایید نگاهی بیندازیم پس از اینکه یونس پیام نجات خدا را در نینوا به اشتراک گذاشت.

یونس فصل ۳ آیه ۱ تا ۵ ، فصل ۳ آیه ۱۰ ، فصل ۴ آیه ۱
۱ سپس کلام خداوند بار دوم به یونس آمد و گفت:
۲ ”برخیز ، به نینوا ، آن شهر بزرگ برو ، و پیامی را که به تو می گویم علیه آن صدا کن.”
۳ پس یونس برخاست و طبق کلام خداوند به نینوا رفت. در حال حاضر نینوا یک شهر فوق العاده بزرگ بود و سه روز در مسافت پیموده بود.
۴ یونس شروع به رفتن به شهر کرد و یک روز راه رفت. و ندا داد: ”هنوز چهل روز است و نینوا سرنگون خواهد شد!“
۵ و مردم نینوا به خدا ایمان آوردند. آنها روزه خواندند و گونی پوشیدند ، از بزرگترین آنها تا کوچکترین آنها ...
۱۰ وقتی خدا دید که آنها چه می کنند ، چگونه از راه بد خود دور شدند ، خدا از بلایی که گفته بود با آنها خواهد کرد ، چشم پوشید ، اما او آن را انجام نداد.
یونس فصل ۴ آیه ۱ اما این امر یونس را بسیار ناراضی کرد و او عصبانی شد.

من از یونس شگفت زده و ناامید شده ام.
یونس پیامبر خدا بود که تنها از رحمت خدا از مرگ نجات یافت.
او از دستور مستقیم خدا سرپیچی کرد اما خدا به او فرصت دوم داد تا اطاعت کند.
سپس یونس پیام رحمت را به نینوا رساند و مردم نجات یافتند.
آنها از گناه خود پشیمان شدند و به خدای واقعی خود ایمان آوردند.
اما یونس از این موضوع عصبانی بود!
چرا؟
چون او نژادپرست بود.

قلب او بر روی افرادی با فرهنگ و زبان متفاوت بسته بود.

این یکی از دلایلی است که من معتقدم کتاب مقدس درست است. زیرا قهرمانان در کلام خدا کامل نیستند. ما حتی در پیامبران و پادشاهان و قهرمانان کتاب مقدس شاهد گناه و شکست هستیم. یونس می خواست رحمت و برکات خداوند تنها برای او و قومش باشد. او عصبانی بود که خدا به مردم آشور رحم کرده است. حال بیابید به متن خود در لوقا ۴ بازگردیم تا ببینیم عیسی در مورد رحمت خدا چه گفت.

نکته اول: عیسی مسیح برای کل جهان است (لوقا فصل ۴ از آیه ۲۵ تا ۲۷)
آیه ۲۵ تا ۲۶:

۲۵ اما در حقیقت ، به شما می گویم ، در روزهای ایلیا ، هنگامی که آسمان سه سال و شش ماه بسته شد ، و قحطی بزرگی بر تمام سرزمین رخ داد ، بیوه های زیادی در اسرائیل بودند.
۲۶ و ایلیا را برای هیچ کدام از آنها فقط به زارعت ، در سرزمین صیدون ، نزد زنی که بیوه بود فرستاد.

ایلیا نیز مانند یونس ، پیامبری بود که خدا به یک کشور خارجی فرستاده بود. در اسرائیل خشکسالی رخ داد و مردم گرسنه بودند. اما ایلیا به زنان بیوه در اسرائیل کمک نکرد. خدا او را نزد بیوه فقیری خارج از اسرائیل فرستاد.

بعد از اینکه ایلیا به بیوه کمک کرد ، این را در اول پادشاهان فصل ۱۷ آیه ۲۴ گفت -
”اکنون من می دانم که شما مرد خدا هستید و کلام خداوند در دهان شما حقیقت است.”
این بیوه بیگانه با ایمان به خدای واقعی پاسخ داد.
عیسی پس از یادآوری جمعیت درباره او ، داستان دیگری را درباره رحمت خدا به مردم یادآوری کرد.

آیه ۲۷: و در زمان الیشع نبی در اسرائیل جذامیان زیادی بودند و هیچ یک از آنها پاک نشد ، مگر فقط نعمان سوری.”

الیشع پیامبر دیگری بود که خدا از آن برای بیگانگان رحمت می کرد.
نعمان ژنرال سوری بود.
او دشمن اسرائیل بود.
چون نعمان جذامی بود ، به دنبال کمک از خدا رفت.
پس از دریافت کمک و شفا ، نعمان با ایمان به خدای واقعی پاسخ داد.
او آموخت که دست و قلب خدا می تواند به هر کسی در جهان برسد.

از همان ابتدا ، خدا قصد داشت یک اجتماع از افرادی را ایجاد کند که خدا را با روح و حقیقت می پرستند.
اما همه ما به دنبال ایمنی و راحتی هستیم.
افرادی که متفاوت هستند می توانند احساس ناامنی و ناراحتی را در ما ایجاد کنند.
به همین دلیل ما حلقه هایی را ترسیم می کنیم که افرادی مانند ما را در جوامع خود بگنجانند.
و افرادی که متفاوت هستند را حذف می کنیم.

فراموش می کنیم که خدا مردم را متفاوت کرده است زیرا خلاق است و می خواهد به ما برکت دهد. او می توانست یک گل درست کند ، درست است؟ او می توانست فقط یک نوع سبزیجات درست کند. اما به تمام زیبایی هایی که خدا با این انواع گل ها خلق کرده است نگاه کنید. به انواع غذاهایی که می توانیم بخاطر تنوع موجود در خلقت خدا استفاده کنیم نگاه کنید.

به همین ترتیب ، خدای ما مردم را در رنگهای مختلف آفرید. ما فرهنگها ، زبانها و آداب و رسوم مختلفی داریم. این تنوع بر زیبایی و جلال خانواده خدا می افزاید. اما در ناصره ، وقتی عیسی مسیح قلب خدا را برای خارجیانی از زارعت و سوریه به آنها یادآوری کرد ، مردم هیجان زده نشدند. جمعیت حاضر در کنیسه باید به خاطر داشته باشند که کتاب مقدس آنها چه می گوید.

بیابید با هم به آنچه خدا به ابراهیم در پیدایش فصل ۱۷ آیه ۳ تا ۵ وعده داده است نگاه کنیم. ۳ ابرام رو به رو شد و خدا به او گفت: ۴ ”اما من ، این عهد من با شما است: شما پدر بسیاری از ملل خواهید بود. ۵ دیگر شما را ابرام نخواهند نامید. نام تو ابراهیم خواهد بود زیرا تو را پدر بسیاری از ملل قرار داده ام.”

خداوند این نام را به ابراهیم داد زیرا به معنی ”پدر بسیاری از ملتها” است. طرح نجات جهانی خدا در ابتدای انجیل ما آغاز شد. عیسی این داستانها را در ناصره بیان کرد تا معلوم شود که او بخشی از وعده خدا به ابراهیم بوده است. عیسی نجات دهنده به عنوان مهمترین بخش از طرح نجات جهانی خدا به زمین آمد. اما بسیاری از مردم نقشه خدا را دوست ندارند. بیابید نگاه کنیم که مردم پس از اینکه عیسی رحمت خدا را نسبت به بیگانگان به آنها یادآوری کرد ، چگونه واکنش نشان دادند.

نکته اول: عیسی طبق برنامه پدر درگذشت (لوقا لوقا فصل ۴ آیه ۲۸ تا ۳۰)

۲۸ وقتی اینها را شنیدند ، همه در کنیسه پر از خشم شدند. ۲۹ آنها برخاستند و او را از شهر بیرون راندند و به بالای تپه ای رساندند که شهر آنها بر آن بنا شده بود تا بتوانند او را از صخره به پایین پرت کنند. ۳۰ اما از میان آنها گذشت و رفت.

بسیار مهم است که در اینجا ببینید چه چیزی باعث عصبانیت همه شد. آنها عصبانی نشدند وقتی عیسی در آیه ۲۱ گفت: ”امروز این کتاب مقدس در شنوایی شما تحقق یافته است.” عیسی ادعا می کرد که مسیح است. اما مردم از این موضوع عصبانی نبودند. آنها می خواستند مسیح بیاید و به اسرائیل کمک کند.

با این حال ، وقتی عیسی فیض خدا را به خارجیان به آنها یادآوری کرد ، مردم از خشم غرق شدند.

آنها می خواستند بلافاصله او را بکشند.
آنها خوب بودند که خدا به اسرائیل کمک می فرستاد.
اما آنها خوب نبودند که خدا برای خارجی ها کمک ارسال کند.
عیسی شخصیتی قابل تامل هست.
وقتی او را به درستی درک می کنیم میفهمیم که عامل پاسخگو بودن ما فقط عیسی مسیح هست.
دیدن دقیق عیسی باید باعث شود مردم با ایمان به سراغ او بروند ، یا از او عصبانی شوند زیرا پیام او را دوست ندارید.
بسیاری از مردم امروز از عیسی مسیح عصبانی هستند زیرا او در یوحنا فصل ۱۴ آیه ۶ گفت -
”من راه و حقیقت و زندگی هستم. هیچ کس جز به واسطه من به نزد پدر نمی آید.”

مردم دیگر از عیسی عصبانی هستند زیرا او همه را گناهکار می نامد.
او در لوقا لوقا فصل پنج آیه ۳۱ تا ۳۲ گفت -
”کسانی که خوب هستند نیازی به پزشک ندارند ، اما کسانی که بیمار هستند.
۳۲ من نیامده ام تا عادلان و گناهکاران را به توبه دعوت کنم.”

درست مانند مردم نینوا ، ما تنها در صورتی نجات پیدا می کنیم که گناهان خود را جدی گرفته و توبه کنیم.
مشکل گناهان ما آنقدر جدی است که پسر کامل و بی گناه خدا مجبور شد خون مقدس خود را بریزد تا شما را پاک کند.
با این حال ، مرگ او در آن روز در ناصره رخ نداد که جمعیت سعی کردند او را بکشند.
او فقط از آنها دور شد.
قربانی عیسی فقط زمانی امکان پذیر است که پدر گفت آن زمان مناسب فرا رسیده است .
عیسی بره خدا با مأموریتی به زمین فرستاده شد.
پدر عیسی را فرستاد تا برای هرکسی که از گناه خود توبه کند، بمیرد.
این پیام در بین بسیاری از مردم محبوب نیست.
اما اگر با صداقت به قلب خود نگاه کنید، می دانید که به بخشش نیاز دارید.
وقتی از عیسی می خواهید شما را ببخشد و شما را شستشو دهد ، از انجام این کار بسیار خوشحال می شود!
لطفاً دیگر منتظر نمانید تا عیسی را به عنوان نجات دهنده شما دعوت کنید.

بعد از اینکه خدا ما را نجات داد ، گاهی شگفت زده می شویم که می فهمیم مشکل گناه ما عمیق تر از آن چیزی است که تصور می کردیم.
همه ما می توانیم مانند یونس باشیم.
یونس از دیدن رحمت خدا بر مردم آشور خوشحال نشد.
گاهی وسوسه می شویم به دیگران نگاه کنیم و حکمت خدا را برای نجات آنها زیر سوال ببریم.
ما باید از آن توبه کنیم زیرا خدا از ما عاقل تر و پذیرا تر است.
ما در اینجا یک خانواده کلیسایی استقبال می کنیم.
ما در حال ساختن جامعه ای هستیم که بیانگر وعده ای است که خدا از طریق اشعیا نبی داده است.

در اشعیا فصل ۴۹ آیه ۶ خدا می گوید:
”«اینک کاری مهمتر از باز آوردن و احیای اسرائیل به تو واگذار می کنم. تو را ای خدمتگزار من، برای قومهای جهان نور می سازم تا نجات مرا برای همه مردم جهان به ارمغان ببری.»»

خداوند از همان ابتدا برنامه ریزی کرد تا مردم را از هر فرهنگ و قومیت و زبانی نجات دهد. من عاشق گروه پرستشی و پرستشهای One Voice هستم زیرا ما بخش کوچکی از برنامه خدا را در حال حرکت می بینیم. اما ساختن چنین کلیسایی آسان نخواهد بود ، دوستان من. قلب ما به راحتی می تواند مانند قلب یونس باشد. بنابراین ، ما همچنان به رحمت عیسی پس از آنکه چشم ایمان و زندگی ابدی را در قلب ما می بخشد ، نیاز داریم. ما برای زندگی پر از لطف به فضل خدا نیاز داریم.

بیا حالا با هم دعا کنیم.

پدر ، از تو سپاسگزاریم که پسرت عیسی ، مسیح را فرستادی تا ما را از مرگ ابدی نجات دهد. به عنوان فرزندان شما ، ما زندگی ابدی را به عنوان یک هدیه رایگان داریم. به ما کمک کنید به خاطر بسپاریم که این هدیه آزادانه به هر کسی ، از هر فرهنگ و ملتی ارائه می شود. هر کس از گناه توبه کند و برای نجات به عیسی اعتماد کند ، فرزند شما می شود. ما از رحمت و لطف شما شگفت زده می شویم. از ما برای جلال خود در همه کارهای ما استفاده کنید ، ما به نام عیسی می پرسیم. آمین